



فعالیت های علمی و سیاسی امام صادق(ع)/ نحوه تعامل امام با اهل سنت

امام صادق(ع) بحث تبیین اسلام را مبنای کار خود قرار داده بودند. امام(ع) حتی گاهی نظرات علمی‌شان را به‌گونه‌ای بیان می‌کردند که برای اهل سنت هم قابل اثبات باشد.

امام صادق(ع) بحث تبیین اسلام را مبنای کار خود قرار داده بودند. امام(ع) حتی گاهی نظرات علمی‌شان را به‌گونه‌ای بیان می‌کردند که برای اهل سنت هم قابل اثبات باشد.

به مناسبت سالروز شهادت رئیس مذهب شیعه، صادق آل محمد(ع) گفتگویی با چند تن از کارشناسان مذهبی انجام داده ایم که از نظر می‌گذرد؛

سیره امام صادق(ع) در تعامل با اهل سنت

حجت الاسلام مهدی مسائلی، نویسنده کتاب «پیشوایان شیعه، پیشگامان وحدت» درباره نحوه تعامل امام جعفر صادق(ع) با مسلمانان اهل سنت به **خبرنگار مهر** گفت: امام صادق(ع) غیر از مقام امامت و هدایتی که برای شیعیان داشته‌اند منشأ خیری برای تمام مسلمین بوده‌اند. خیلی از شاگردهای حضرت و راویانی که تعداد آن‌ها بیش از چهار هزار ذکر شده است؛ جزو اهل سنت بوده‌اند. حتی افرادی که می‌توانیم از آن‌ها به‌عنوان شیعه یاد کنیم دیدگاهی نداشته‌اند که ما اکنون به‌عنوان شیعه به امام صادق(ع) داریم و دیدگاه‌ها و نگاه‌های متفاوتی داشتند. برای مثال برخی از جهت سیاسی شیعی بوده‌اند اما از جهت پذیرش ولایت به معنای مصطلحش نمی‌توانستیم نام شیعه بر روی ایشان بگذاریم.

وی افزود: دیدگاه‌های متفاوت و افراد مختلف را که می‌توانیم زیر پرچم اسلام آن‌ها را مسلمان بنامیم از وجود امام صادق(ع) استفاده می‌کرده‌اند. بسیار شنیده‌ایم که ائمه فقهی اهل سنت، رهبران فکری-عقیدتی و نظریه‌پردازان اهل سنت از وجود علمی امام صادق(ع) بهره برده‌اند. توصیه‌های فراوانی نسبت به این افراد که در بین اهل سنت شاخص بوده‌اند از امام صادق(ع) وجود دارد. آن‌ها را توصیه کرده‌اند، تذکراتی داده‌اند، روش‌های نادرستشان را متذکر شده‌اند.

این محقق و نویسنده با بیان اینکه امام صادق(ع) در برخورد با عامه مسلمان‌ها خودشان را به‌عنوان فرقه‌ای که یک قرائت خاص دارند جدا نکردند، گفت: امام صادق(ع) بحث تبیین اسلام را مبنای کار خود قرار داده بودند و همه مسلمانان از وجود ایشان استفاده می‌کردند. امام(ع) حتی گاهی نظرات علمی‌شان را به‌گونه‌ای بیان می‌کردند که برای اهل سنت هم قابل اثبات باشد. ما شیعیان اگر یک سخن را از زبان امام صادق(ع) بشنویم حجت می‌دانیم و می‌پذیریم، اما اهل سنت چون نگاه امامت به اهل بیت(ع) ندارند ممکن است دلیل و برهان بخواهند. امام صادق(ع) آنجا که برای اهل سنت صحبت می‌کردند طبق مبنای فقهی خودشان از آیات قرآن کریم، سیره پیامبر و امیرالمؤمنین(ع) دلیل و برهان اقامه می‌کردند و این‌گونه معارف اسلامی را برای اهل سنت و سایر مسلمانان تبیین می‌فرمودند.

وی افزود: به صورت کلی امام صادق(ع) جدال، خصومت و دشمنی در بیان حق را برای غلبه و پیروزی بر افراد نادرست می‌دانستند. بارها در روایت آمده است که «إِيَّاكُمْ وَالْخُصُومَةَ فِي الدِّينِ»؛ دشمنی در دین را رها نکنید، چون که این روش‌ها ضرر و زیانشان بیش از منفعتشان است. اگر ما دلسوزانه در این راه قدم برمی‌داریم نباید فضا را به فضای دشمنی بکشانیم که طرف مقابل احساس کند با شما دشمنی دارد. این دید کلی امام صادق(ع) است که بارها متذکر شده‌اند.

مسائلی گفت: گزارش معروفی است که امام صادق(ع) باخبر شدند در مسجد، شخصی صریحاً به مخالفین آن حضرت دشمنام می‌دهد. امام صادق(ع) می‌فرمایند «مَا لَهُ -لَعْنَةُ اللَّهِ- يَغْرُضُ بِنَا؛ او را چه شده است، خدا لعنتش کند، با این کار متعرض ما می‌شود. با این کار باعث می‌شود مردم با دید منفی به امام صادق(ع) و مکتب تشیع بنگرند.

وی افزود: امام صادق(ع) آن‌قدر رفتار پسندیده‌ای با علمای اهل سنت داشتند و با آن‌ها هم‌نشینی داشتند که این افراد احساس نمی‌کردند با شخصیتی روبرو هستند که ریاست یک مذهب مخالف آن‌ها را به عهده دارد. تا جایی که این افراد مرید و هم‌نشین امام صادق(ع) می‌شدند. همواره با حضرت بودند و سفرهای بسیاری با حضرت رفتند و در منزل امام صادق(ع) حضور پیدا می‌کردند. این علما، اهل بیت(ع) و به‌خصوص امام صادق(ع) را به‌خوبی می‌شناختند و به فضل و علم و منزلت اهل بیت(ع) پی برده بودند. ابو زهره عالم سنی می‌نویسد که «ما أجمع علماء الإسلام على اختلاف طوائفهم في أمر كما أجمعوا على فضل الإمام الصادق و علمه»؛ هیچ‌کدام از علمای اسلام در هیچ امری اجماع ندارند این‌گونه که بر فضل و علم امام صادق(ع) اجماع دارند.

حجت الاسلام مسائلی درباره توصیه‌های امام صادق(ع) در نحوه تعامل با اهل سنت گفت: امام می‌فرمایند: «اقْرَأْ عَلَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي مِنْهُمْ وَ يَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَام»؛ به هر کس مواجه شدی و فکر کردی از من اطاعت می‌کند، سلام مرا به او برسان و پس از توصیه‌های خود را بیان می‌کنند که با اهل سنت بهترین رفتار را داشته باشید، «صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ، وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَ عُوْذُوا مَرْضَاهُمْ، وَ آذُوا حَقُّوقَهُمْ»؛ در میان این‌ها نماز بخوانید، در تشییع جنازه‌شان شرکت کنید، مریض‌هایشان را عیادت کنید و توصیه‌های فراوان دیگر. در انتها می‌فرمایند به‌گونه‌ای رفتار کنید که وقتی این افراد شما را با این رفتار پسندیده می‌بینند بگویند او شیعه است و پیروی امام صادق(ع) است.

نگاه مهربان امام صادق(ع) به نسل جوان

حجت الاسلام محمد باقر پور امینی عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در مورد اینکه امام جعفر صادق(ع) به غیر از فعالیت‌های علمی چه فعالیت‌هایی در مدیریت شیعیان انجام دادند به **خبرنگار مهر** گفت: توجه به نسل نو یکی از فعالیت‌های محوری امام صادق(ع) است و ایشان تربیت و شکوفایی جوانان را به عنوان آینده سازان مکتب در اولویت فعالیت خویش قرار داده بودند.

وی افزود: نگاه مهربان امام صادق(ع) به نسل جوان، همراه با بزرگداشت شخصیت، تکریم استعدادها و صلاحیت‌ها، احترام به نیازها و توجه به قلب‌های پاک و زلال آنان بود و اقبال جمع جوانان به سوی امام(ع) فرایند عملکرد و رفتار متین، محبت‌آمیز، حکیمانه و سرشار از خلوص و عاطفه آن حضرت بود، بدان حد که سخن حضرت بر آریکه دل آنان می‌نشست، زیرا گرایش جوان به خوبی، نیکی و زیبایی بیشتر و سریعتر ازدیگران است. پدیده‌ای که امام ششم بدان اشاره نموده می‌فرماید: «انهم اسرع الی کل خیر»؛ جوانان زودتر از دیگران به خوبیها روی می‌آورند.

این پژوهشگر تاریخ اسلام تصریح کرد: رفتار و سخن امام صادق(ع) ترجمان حقیقی این گفته رسول خدا(ص) است که فرمود: «اوصیکم بالشبان خیرا، فانهم ارق افئده»؛ سفارش می‌کنم شما را که، با جوانان به خوبی و نیکی رفتار کنید، چرا که آنان نازک دل و عاطفی‌ترند. امام صادق(ع) در دوران زعامت و رهبری شیعیان، ضمن توجه به روح لطیف و احساس آرمانی جوانان، یاران و نزدیکان خود را نیز به دقت و توجه در این نکات رهنمون می‌ساخت. «مؤمن طاق» از بزرگان شیعه و از یاران دانشمند امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) بوده است. امام صادق(ع) او را دوست می‌داشت. مومن طاق مدتی برای پیام‌رسانی و تبلیغ دین، در شهر بصره ماندگار شد. او وقتی که به مدینه بازگشت، خدمت امام صادق(ع) رسید، حضرت از او پرسید: به بصره رفته بودی؟ آری! اقبال مردم را به دین و ولایت چگونه دیدی؟ به خدا اندک است! می‌آیند ولی کم اند!! امام در پاسخ فرمودند: «جوانان را دریاب، زیرا آنان به نیکی و خیر از دیگران پیش‌ترترند».

این پژوهشگر ادامه داد: نکته‌ای که بسیار دل‌امام را می‌آزرد، توطئه جذب جوانان از سوی فرقه‌های منحرف، اما مدعی اسلام بود، به عنوان نمونه، امام صادق(ع) جوانان را از گرایش به دو فرقه مرجئه و غلاه که در میان اهل سنت و شیعیان آن عصر مطرح بودند، بر حذر می‌داشت. «مرجئه» در عصر امویان و با کمک آنان شکل گرفتند. این فرقه نیت را اصل شمرده و گفتار و کردار را بی‌اهمیت می‌دانستند و معتقد بودند همان‌گونه که عبادت کردن با کفر سودی ندارد، گناه کردن هم چیزی از ایمان نمی‌کاهد و خلیفه را هرچند که مرتکب گناه کبیره بود، واجب الطاعه می‌انگاشتند.

پور امینی افزود: «غلاه» فرقه‌هایی هستند که در باره ائمه اطهار(ع) گزافه‌گویی کرده، آنان را به خدایی رسانیده و یا به «حلول» جوهر نورانی الهی در امامان خود قائل شدند و یا به تناسخ و حلول روح خدایی به کالبد ائمه قائل شدند، ائمه اطهار(ع) گزافه‌گویی این طایفه شیاد را منع و از ایشان بیزاری می‌جستند. امام در واکنش به تهدید این دو فرقه انحرافی می‌فرمود: «بر جوانانتان از غلات برحذر باشید که آن‌ها را به فساد نکشانند؛ زیرا غلات پست‌ترین خلق خدا هستند، اینان ظمت خدای را کوچک می‌کنند و ادعای ربوبیت و خدایی را برای بندگان او قائل هستند».

وی افزود: امام با اصل قرار دادن پیشگیری، ارائه دقیق دین حقیقی و برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم السلام را به جوانان توصیه می‌کردند تا راه را بر رهنمایان اندیشه جوانان سد نمایند، حضرت می‌فرمود: «جوانان را دریابید! به آنان حدیث و دین بیاموزید، پیش از آن که مرجئه بر شما پیشی گیرند.» امام صادق(ع) همچنین جوانان را مخاطب خود ساخته می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ الْأَحْدَاثِ! اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَأْتُوا الرُّسَاةَ وَغَيْرَهُمْ حَتَّى يَصِيرُوا أَدْنَابًا، لَا تَتَّخِذُوا الرِّجَالَ وَتَلَّيْجَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، أُنَا وَاللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْهُمْ»؛ ای گروه جوانان! از خدا پروا کنید و نزد روسا(ی منحرف) نروید، آنان را به جای خدا همدم خود نگیرید، به خدا سوگند که من برای شما از ایشان بهترم.

امام صادق(ع) همواره در فکر تشکیل حکومت بودند

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد جهان بزرگی، استاد حوزه و دانشگاه در مورد فعالیت‌های علمی و سیاسی امام جعفر صادق(ع) به **خبرنگار مهر** گفت: زندگی امام صادق(ع) را می‌توان در دو بعد مورد دسته‌بندی قرار داد: یکی فعالیت‌های سیاسی یا به عبارتی مبارزه سیاسی حضرت و دیگری مبارزه علمی حضرت.

وی با اشاره به اینکه در دوره امام صادق(ع) دوره فترتی ایجاد شده بود که امویان رو به زوال و با نیروهای مختلف درگیر بودند، گفت: یکی از نیروهای مبارز با امویان قیام ابومسلم خراسانی بود که چندان شخص مورد اعتماد ائمه(ع) نبود. وی به امام صادق(ع) هم مراجعه کرد و می‌خواست قیامش را تحت سرپرستی ایشان قرار دهد ولی چون به او اطمینان نداشتند از او نپذیرفتند. دوران امام صادق(ع) مصادف با پایان دوره امویان و آغاز دوره عباسیان بود، بنابراین آنها با هم درگیری‌هایی داشتند. امام صادق(ع) به این نتیجه رسیدند که در این دوره به مبارزه علمی دست بزنند، چون قصد داشتند انحراف‌هایی که در دوره امویان به وجود آمده بود را از بین ببرند. به همین خاطر امام صادق(ع) دانشگاه و مدرسه‌ای را درست کردند که در طول تاریخ بنام خودشان نامگذاری شد و نزدیک به چهارهزار نفر از افراد را تحت سرپرستی علمی قرار دادند.

جهان بزرگی با اشاره به اینکه گسترش علمی این دانشگاه در حدی بود که برخی از امامان فقهی اهل سنت مثل ابوحنیفه نزد امام صادق(ع) درس گرفتند، بیان کرد: ابوحنیفه می‌گفت: اگر آن دو سال(دو سالی که خدمت امام صادق(ع) بودند) نبود هر آینه نعمان نابود می‌شد. (نعمان، لقب ابوحنیفه بود که یکی از امامان فقهی اهل سنت محسوب می‌شود). بسیاری از بزرگان اهل سنت که حدیث نقل می‌کردند از امام صادق(ع) حدیث نقل کردند. برخی از شیعیان مانند زارة بن اعین نزدیک به پنجاه

هزار حدیث را از امام صادق(ع) نقل کردند. برخی دیگر ۱۶ هزار، برخی دیگر تا ۳۰ هزار حدیث از ایشان آموختند و البته برخی از آنها چون به زندان افتادند موفق نشدند که مطالب امام را برای دیگران بازگو کنند.

وی با اشاره به اینکه نهضت ترجمه در دوره عباسیان شروع شد، تصریح کرد: مسلمانان با اندیشه یونانی آشنا نبودند اما در دوره امام صادق(ع) به خاطر اینکه امویان جامعه اسلامی را در اثر فتح کشورهای مختلف تا اندلس پیش برده بودند و قسمتی از اروپا را به تصرف خودشان درآورده بودند با اندیشه های جدیدی روبرو شدند و کتابهای فلسفی یونانی ها به عربی ترجمه شد و در اختیار جهان اسلام قرار گرفت. نهضت ترجمه ای که در آن زمان اتفاق افتاد امام صادق(ع) را بر این داشت تا شاگردانی را تربیت کنند که در بسیاری از علوم بتوانند پاسخگوی مسائل باشند؛ ابن هیثم را در مسائل هیئت، ریاضیات و ... تربیت کردند. جابر بن حیان را در علم شیمی تربیت کردند. بسیاری از افراد را در فقه و اجتهاد و هشام بن حکم را در کلام و فلسفه تربیت کردند. این امام همام به این وسیله از نظر علمی توانستند جلوی موجی که از اروپا شروع شده بود و جهان اسلام را در بر می گرفت، بایستند و منطقی جواب بدهند و بسیاری از ریشه های اسلامی را در جامعه آن روز محکم کنند که تا به امروز این مسائل به دست ما رسیده است.

جهان بزرگی در ادامه گفت: شیعه دوازده امامی یا به عبارتی شیعه اثنی عشریه را به این دلیل شیعه جعفری می نامند که امام صادق(ع) در محکم کردن پایه های فقهی و اعتقادی مسلمانان به ویژه شیعیان در آن زمان تلاش بسیار زیادی کردند به گونه ای که نزدیک به چهار صد رساله که رساله های اربع مائه (چهارصدگانه) نامیده می شود از کلاسهای درس امام صادق(ع) بیرون آمد که همین کتابها پایه های کتابهای حدیثی شد که شیخ کلینی و شیخ صدوق آنها را جمع آوری کردند و حتی سید رضی توانست در جمع آوری نهج البلاغه از آن بهره ها ببرد.

این استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه امام صادق(ع) با دهری ها یا زندیق هایی که امروزه از آنها به عنوان نیهیلیست می گوئیم یا به عبارتی اندیشه هایی که به کمونیسم معروف شده است برخورد داشتند، افزود: وقتی ایشان به سفرهای حج می رفتند جوابگوی آنها بودند و بسیاری از آنها در اثر این برخورد مسلمان شدند که نمی توانستند در برابر پاسخ حضرت استقامت کنند. این بعد علمی و مبارزه علمی امام صادق(ع) در آن زمان بود، اما حضرت در کنار این مبارزه علمی، مبارزه سیاسی را به هیچ وجه مغفول نگذاشتند و برای برگرداندن حکومت و سیاست به جایگاه اصلی خودش فعالیت های زیادی را انجام دادند.

وی تصریح کرد: یکی از فعالیتهای حضرت در زمینه مسائل سیاسی تأیید قیام حضرت زید(ع) بود که در زمان امام صادق(ع) بر علیه امویان اتفاق افتاد. گاه تلویحا و گاه در نزد افراد ویژه تصریحا حضرت زید(ع) را تأیید می کردند. در روایات و در مسائل تاریخی آمده است که امام صادق(ع) زین و برگ اسب عمویشان، زید(ع) را محکم می کردند و ایشان را مورد تأیید قرار می دادند و تلویحا به شیعیان می فهماندند که اگر می خواهید کار سیاسی و قیام کنید، زمینه قیام فراهم است و افرادی را مورد تأیید قرار می دادند اما متأسفانه شیعیان در آن زمان غافل بودند؛ گرچه برای زید نزدیک به ۱۵ هزار نفر از کوفه و ۴۰ هزار نفر از ایران نامه نوشته بودند که قیام کن ما با تو هستیم، ولی وقتی که زید قیام کرد فقط نزدیک به ۲۵۰ نفر در بیرون کوفه با او همراه بودند که به نتیجه نرسید.

حجت الاسلام جهان بزرگی با بیان اینکه امام صادق(ع) در زمینه مبارزه با حکومت، فرزند خودشان بنام محمد را که به محمد دیباج معروف شد تربیت کردند، گفت: ایشان قیام کرد و به طرف مکه حرکت کرد تا حکومت اسلامی را تشکیل دهد اما این قیام هم به ثمر نرسید و محمد دیباج به شهادت رسید. امام موسی کاظم(ع) را برای قیام تربیت کردند، شایعاتی پخش شد در مورد اینکه موسی بن جعفر(ع) همان قائم آل محمد(ص) است که در این زمینه آن قدر شایعات وسیع شد و قیام امام را پررنگ کردند که باعث دستگیری ایشان شد که مدت زمان بسیار زیادی را در زندان به سر بردند.

وی افزود: امام صادق(ع) دست از مبارزه ها برنداشتند و همواره در فکر تشکیل حکومت بودند به گونه ای که خودشان می فرمایند: پنج بار قرار بود که امر تشکیل حکومت اسلامی اتفاق بیفتد اما شیعیان نتوانستند مسائل و رازهای اولیه را پیش خودشان نگه دارند. بنابراین خداوند آن را به عقب انداخت.

وی با اشاره به اینکه امام صادق(ع) زمینه های قیام های بعدی را هم فراهم کرده بودند، گفت: نهایتاً این قیامها در زمان مأمون به این موضوع کشید که امام رضا(ع) را در مرکز خلافت در کنار خود قرار دهد و حتی ایشان را ولیعهد کند. اینها همه زمینه هایی بود که امام صادق(ع) فراهم کرده بودند.

جهان بزرگی در پایان سخنانش گفت: یکی از مسائل پررنگ زمان امام صادق(ع) مسئله ولایت فقیه است که حضرت یکی از کسانی هستند که نظریه ولایت فقیه را که پیامبر نظرا پایه گذاری کرده بودند، تثبیت و تحکیم کردند. مقوله عمر بن حنظله در واقع در این زمینه معروف و مشهور است که در مورد دین و میراثی، عمر بن حنظله از حضرت سؤال می کند و حضرت می فرماید کسی باید جانشین سلطان یا قاضی منسوب سلطان جور قرار گیرد که بر فقه ما مسلط باشد و احکام ما را بشناسد. حضرت می فرماید من از این به بعد کسی که احکام ما را می شناسد بر شما حاکم و سلطان قرار می دهم که این مسئله در طول تاریخ برای اثبات ولایت فقیه از طرف خلفای عظام شیعه مورد استناد قرار گرفته و امروزه یکی از پایه های اثبات نظریه ولایت فقیه در نظام اسلامی همین نظریه مقوله عمر بن حنظله است.

حلقه های درس فراوانی که قال الصادق(ع) ورد زبان شان بود

آیت الله محمد حسن اختری، دبیرکل مجمع جهانی اهل بیت(ع) در پاسخ به این سوال که چرا مذهب ما را مذهب جعفری می نامند، به **خبرنگار مهر** گفت: به خاطر نقش و تأثیری که امام صادق(ع) در معرفی اسلام و در شناساندن اسلام ناب محمدی

داشته، مذهب ما که پیروان اهل بیت(ع) و تابع علی و اولاد ایشان هستیم را به امام صادق(ع) نسبت دادند، زیرا در دوران این امام فرصتی به وجود آمد تا امام صادق(ع) به نشر معارف اسلامی در ابعاد مختلف، اقدام کنند و در اختیار همه قرار دهند و شاگردانی تربیت کنند که به نشر معارف اهل بیت(ع) بپردازند. راوی نقل می کند وارد مسجد کوفه شدم دیدم حلقه های درس فراوانی وجود دارد و هر استادی در آنجا می گوید قال الصادق(ع).

اختری درباره ویژگی های عصر امام صادق(ع) گفت: دوران امام صادق(ع)، دوران ضعف و سستی حکومت وقت بوده و گروه های مختلف در جاهای مختلف قیام کرده بودند بعضی ها به عنوان خونخواهی امام حسین(ع) و جریانهایی که در کوفه آن زمان اتفاق افتاد و بعضی ها در مدینه و بعضی ها در عراق و جاهای مختلف قیام کرده بودند. قیام زید بن علی بن حسین(ع) هم در زمان امام صادق(ع) اتفاق افتاد و بعد از او فرزندان زید و فرزندان امام مجتبی(ع) که گروهی از آنها به ایران آمدند و در شمال ایران در گیلان و مازندران پراکنده شدند و حتی حکومتهایی تشکیل دادند لذا امام صادق(ع) فرصت خوبی را پیدا کرد که بتواند نقش اصلی خودشان را در احیای دین و در دست شریعت اسلامی عمل کند. یکی دیگر از شرایطی که در آن دوران بود این بود که انحرافات زیادی به وجود آمد. مجموعه های فکری متعدد درست شده بود مجموعه های انحرافی تصوف رشد پیدا کرد لذا دوران بسیار مشکلی بود. امام صادق(ع) با قدرت و ولایت الهی خود در این دوران توانست اسلام ناب را معرفی کند و نگذارد اسلام ناب و حق از بین برود و زیر دست و پاها له شود.

وی تأکید کرد: در دائرةالمعارف حدیثی شیعه صدها هزار حدیث از اهل بیت(ع) خصوصاً امام صادق(ع) و امام باقر(ع) نقل شده که این مساله در مذاهب دیگر وجود ندارد لذا مکتب امام صادق(ع) مکتبی غنی و منطقی است. این معنای مستحکم بودن مکتب امام صادق است و هر روزی که می گذرد استحکام، منطقی و عقلانیت مکتب اهل بیت(ع) بهتر و بیشتر در جهان تبلور پیدا می کند لذا دشمنان با آنها مخالف هستند. انقلاب اسلامی یکی از ثمرات و میوه های مکتب امام صادق(ع) است.

آیت الله اختری در مورد اینکه امام جعفر صادق(ع) به غیر از فعالیت های علمی چه فعالیت های سیاسی در مدیریت شیعیان انجام دادند، گفت: مهم ترین فعالیت سیاسی ایشان این بوده که نگذارند مذهب اصلی در این گیر و دارها و سر و صداها و انحرافها از بین برود. می بینیم که از بعد از زمان امام رضا(ع) به بعد ما دیگر هیچ انحرافی در مکتب اهل بیت(ع) نداریم. وی افزود: کار دیگر سیاسی ایشان مقابله با نظام طاغوت بوده همان طوری که با بنی امیه مقابله کردند با بنی العباس هم مقابله کردند و زندان را به جان خریدند. امام صادق(ع) نشان داد که اینها ظالم و ستمگر هستند و جانشینان پیغمبر(ص) و حکومت دلخواه اهل بیت(ع) نیستند و حکومت شان باطل است. منصور خیال می کرد که اگر امام صادق(ع) را از برابر خودش بردارد دیگر همه چیز در اختیارش قرار می گیرد غافل از آنکه امام کاظم(ع) و خط ولایت زنده پایدار و مقاوم است و خداوند این نور الهی خود را زنده نگه می دارد.